یادداشت

از چیپس و پفک تا استعاره‌های فرهنگی حمایت از کالای ایرانی

سیدمهدی سیدی
روزنامه‌نگار

برخی عکس‌العمل‌های اجتماعی ما بدون ملاحظه آگاهانه اتفاق می‌افتد. افراد در محله‌های تمیز و آراسته، سخاوت و اعتماد بیشتری از خود نشان می‌دهند، اما در محله‌هایی که سنگفرش‌های تخریب‌شده و آسفالت‌های ناهموار دارد، میل به معاشرت ندارند. در پژوهش‌های تجربی اثبات شده است وقتی به هنگام مذاکره، یک لیوان نوشیدنی گرم در دست داریم، زودتر به طرف مقابل اعتماد می‌کنیم تا موقعی که یک نوشیدنی سرد در دست داریم. وقتی از پله برقی بالا می‌رویم، بیشتر احتمال دارد به متکدیان کمک کنیم تا موقعی که از پله برقی پایین می‌آییم. دلیل این رخدادهای مرموز چیست؟ پاسخ آن است که محیط به صورت استعاری بر ذهن و تصمیم ما موثر است. اتفاقات محیطی، پیام‌هایی تولید می‌کنند که ذهن ما را به سمت و سوی خاص جهت می‌دهند. گرما، در ذهن ما استعاره اعتماد را بازتولید می‌کند، پس به واسطه آن در مذاکره کمتر به دنبال عیوب طرف مقابل یا بدبینی به او هستیم. بالا رفتن از پله برقی، پیام‌آور صعود است و می‌دانیم که صعود باعث رفتارهای شایسته‌تر می‌شود. سنگفرش‌های تخریب‌شده، در ذهن یادآور استعاره مرگ است؛ چون همیشه در ذهن ما ترسی نهفته و دائمی از نیستی و نابودی وجود دارد، پس در موقعیت مرگ، کمتر میل به مراوده داریم.

حال همین فرمول را به حوزه حمایت از کالای ایرانی تسری دهیم. در فرهنگ و محاورات روزمره ما استعاره‌هایی وجود دارد که ممکن است سد راهی در برابر تصمیمات ما برای «خرید کالای ایرانی» باشد:

۱ استعاره پراید: جوک‌های بسیاری علیه پراید ساخته شده است؛ «پراید از داعش خطرناک‌تر است»، «مرگ حق است، پراید بهانه است»، قطعا از کیفیت پراید نمی‌توان تمجید کرد و توجیه ضعف‌های آشکار آن حماقت است؛ ولیکن «استعاره پراید» از خود «پراید» برای جامعه ایرانی خطرناک‌تر است. به هرکس که می‌گویی ایرانی بخر تا به مرور تولید کننده ایرانی قوی‌تر شود، فوراً پاسخ می‌دهد سال‌هاست پراید را با همین استدلال به ریش ملت بستید و این همه آدم را به کشتن دادید، پس چرا صنعت خودرو پیشرفت نکرد؟

۲ استعاره «ایرانیه دیگه»: خیلی وقت‌ها که از پیگیری خدمات پس از فروش یک کالا منصرف می‌شویم یا آن کالا بعد از چند هفته کار کردن، اوراق شده و از گردونه سرویس‌دهی خارج می‌شود، این عبارت را به کار می‌بریم: «ایرانیه دیگه» و به واسطه آن عذاب وجدان خود را التیام می‌دهیم. همین عبارت باعث می‌شود هیچ‌گاه کیفیت یک کالای ایرانی را با قاطعیت و استحکام از تولید کننده و توزیع کننده مطالبه نمی‌کنیم.

۳ استعاره «جنس فروخته‌شده، پس گرفته نمی‌شود»: تقریبا وارد هر مغازه‌ای شویم، حداقل یکی از این سه یادداشت را با فونت درشت نصب‌شده روی دیوار می‌بینیم: «جنس فروخته‌شده پس گرفته نمی‌شود»، «نسیه داده نمی‌شود حتی به شما»، «توقف بیجا مانع کسب است». این عبارت‌ها ناخودآگاه ذهن ما را نسبت به محیط کسب‌وکار و تعامل دوستانه بین فروشنده و خریدار، ناامن می‌کند. حس روانی ما این می‌شود که کوچک‌ترین بی‌دقتی در خرید کالا، پول ما را دور می‌ریزد، چون به هیچ عنوان آن جنس قابل تعویض نخواهد بود. همین ماجرا باعث می‌شود اعتماد به فروشنده در حداقل ممکن قرار بگیرد.

۴ استعاره «ثروتمند یا مال حرام‌خور»: جوری در فرهنگ عامه ما رایج شده که هرکسی ثروتمند می‌شود، حتما از راه حرام به پول رسیده است. با این نگاه، کارآفرینی در این سرزمین به یک ارزش تبدیل نمی‌شود. البته نمی‌شود وجود ثروتمندان حرام‌خوار رانت‌باز را هم منکر شد.

۵ استعاره «چیپس و پفک و شامپو»: عموما در تبلیغات تلویزیونی شاهد تبلیغ چیپس و پفک و مایع شوینده و شامپو و اخیرا اپراتورهای تلفن همراه و بانک‌ها هستیم. استعاره این ماجرا آن است که ما صرفا در ساخت چنین محصولاتی قابلیت داریم، چون هرگز گزارش یک فناوری پیشرفته ایرانی را در تلویزیون نمی‌بینیم؛ از داروهای پیچیده تا ماشین‌آلات و توربین‌ها و لوازم الکترونیک و فناوری‌های مهندسی. ما در بسیاری از محصولات پیچیده دست برتر را در منطقه و حتی جهان داریم، اما در افواه عمومی بیشتر چیپس و پفک ایرانی دیده می‌شود. این استعاره‌ها، ناخودآگاه ذهنی ما را مهندسی می‌کند. باید متصدیان فرهنگی و صاحبان رسانه برای اصلاح، ترمیم و بازآفرینی این استعاره‌ها، طراحی‌های هوشمندانه‌ای انجام دهند.

ایده جدید طلبه‌ها برای نزدیک‌شدن مردم به هم

افطاری با «سفره به سفره»

مهسا شمس‌کلائی
روزنامه‌نگار

گفت‌وگو

صفحه اینستاگرامش پر است از عکس‌های کودکان، سالمندان و نیازمندان، مدام در حال اشاعه دادن ترویج کمک به محرومان نیازمندان است. وقتی برایش کامنت می‌نویسی، فورا جواب می‌دهد و اگر سوال داشته باشی با روی خوش پاسخ می‌دهد. آنقدر پیگیر کار است و برای شما وقت می‌گذارد که مطمئن شود پاسخ خود را دریافت کرده‌اید. عکس‌های صفحه شخصی‌اش را که جست‌وجو می‌کنی درمی‌یابی که بیشترین فعالیت‌هایش از زلزله کرمانشاه شروع شده است و حالا قصد دارد کمپینی به نام «سفره به سفره» راه‌اندازی کند. حجت‌الاسلام مهدی سلیمانی روحانی‌ای است که سعی دارد به غیر از دوست‌های حقیقی خود دوستان مجازی را هم به کارهای خیر کوچک دعوت کند. این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

شغل شما چیست؟

طلبگی.

با چه افرادی در راه خیر قدم گذاشته‌اید؟

به همراه چند تن از طلبه‌هایی که در زمینه خدمت اجتماعی فعال بودند از جمله آقای بهزاد تهرانی سعی بر این داشتیم یک‌سری کارهای اجتماعی و محرومیت‌زدایی و امید به ایتام و فقرا داشته باشیم.

از ابتدای فعالیت‌تان بگوید.

کار ما از زلزله کرمانشاه شروع شد. این زلزله از یک جهت باعث تاسف بود که هم‌وطنان ما مشقت کشیدند و از یک سو باعث مباهات بود که خیلی از خدمات اجتماعی انجام شد.

بر این شدیم که به روستاها و مکان‌های محروم کرمانشاه و زلزله‌زده برویم و کمک کنیم از لحاظ غذایی، ساخت‌وساز و رسیدگی به شئون فرهنگی وضع‌شان بهتر شود. به صورت پایلوت یک روستا را نشانه‌گذاری کردیم و کانکس، امکانات خوراکی و لوازم گرمایشی دادیم و حضور روحانیون را در روستا داشتیم که کارهای فرهنگی و تبلیغی انجام دادند. این افراد تقریبا به صورت مداوم نزدیک به هفت، هشت تیم طلبگی و روحانی بودند که در قالب جامعه وعاظ و مبلغان انقلابی زیر نظر حاج آقا بی‌آزار تهرانی به این مناطق می‌رفتند. زلزله کرمان مزید بر علت شد که مجدد این کار را ادامه دهیم. در کوهبنان نزدیک به ۱۱۰ کانکس و کولر بردیم و این مسائل را انجام دادیم. سرکشی به آسایشگاه معلولان و بیماران مزمن روانی در تهران مانند «سرای احسان» از دیگر فعالیت‌های گروه ما بود. بعد به محرومیت‌زدایی در شهر تهران پرداختیم. از کوره‌ها شروع کردیم. کوره‌های آجرپزی که ۳۰ سال پیش خاموش شده بودند اما ساکنانی داشتند که از امکانات اولیه رفاهی حداقل سرویس بهداشتی یا دوش حمام یا ظرفشویی آشپزخانه و اجاق گاز یا دری برای خانه محروم بودند.

با استفاده از شبکه‌های مجازی پولی جمع کردیم و برای بچه‌ها و آنهایی که سن کمی داشتند لباس خریدیم. خود بچه‌ها را بردیم و برای اولین بار با انتخاب خودشان لباس خریدند. به نظرم یکی از بهترین روزهای عمر من همان روز بود که دیدم اینها خوشحال شدند و خودشان برای خودشان لباس و کفش خریدند.

دوباره یک‌سری اقلام خوراکی برای خانواده‌هایی که داخل کوره‌ها بودند تهیه کردیم که به آنها در چهار مرحله داده شد. در هر مرحله برنج و ماکارونی، رب، مرغ، گوشت و... دادیم. این روند ادامه داشت و این‌طور نبود که تنزل یابد.

اجازه ندادیم کاری بر زمین بماند و هر کسی در ارتباط با خدمات اجتماعی در اطراف خود کاری را انجام می‌داد تا ماه مبارک رمضان آغاز شد. فکر کردیم کاری انجام دهیم؛ فقرا در تهران زیاد هستند و فقیر به معنای محروم است. گاهی فقر عاطفی دارند، گاهی فقر غذایی و گاهی فقر فرهنگی. فقر خانه و نداشتن ماشین و تبعیض طبقاتی. مجبور شدیم کاری را انجام دهیم که این کار را خدمت‌رسانی به فقرا در ماه رمضان بدانیم. آنچه در روایات ما وارد شده، یکی این است که زمان تشنگی و گرسنگی ماه مبارک رمضان به یاد فقرا و ضعفا بیفتید. خواستیم این کار را به صورت عملی بین مردم رواج دهیم و بگوییم مردمی که روزه می‌گیرید، روزه‌های شما قبول است، ولی یکی از ثمرات روزه این است که به یاد فقرا بیفتید.

یک‌سری افراد می‌گویند چه کنیم که یاد فقرا بیفتیم؟ بیشتر معضلات اجتماعی که امروزه داریم این است که مردم ما همیشه به سطح بالای زندگی و آدم‌های پولدار نگاه می‌کنند؛ به کسی که خانه و وضع مالی خوبی دارد. ما سعی کردیم با یک تیر چند نشان بزنیم. با طرح «سفره به سفره» کسانی که وضع مالی خوب یا متوسطی دارند یک بار به زندگی افراد پایین‌تر نگاه کنند.

خواستیم بگوییم با فقرا حرف بزنید و دم‌خور شوید. صد رفیق پولدار دارید، حالا یک رفیق بی‌بضاعت داشته باشید و با او هم‌صحبت شوید؛ این اولین هدف ما بود. هدف گذاری دوم آشنا شدن مردم با مشکلات فقرای داخل تهران بود. مردم فقرا را نمی‌بینند، بیایید کاری کنیم این فقرا به چشم مردم بیایند و مردم بتوانند با اینها ارتباط برقرار کنند. هدف سوم امیدبخشی به همین فقرا و ضعفا بود که بگوییم دیده می‌شوید و کسانی هستند که مشکلات شما را پیگیری کنند.

مسلما وقتی خانواده‌ها با فقرا ارتباط پیدا کردند خودشان در حد توان‌شان مشکلات اینها را حل می‌کنند. ما در کمپین «سفره به سفره» گفتیم در حد توان افطاری با فقرا داشته باشیم. می‌تواند یک غذا برای یک نفر باشد، می‌تواند یک سفره غذا برای یک خانواده باشد. می‌تواند در خانه خود شخص باشد، یا می‌تواند شخص نزد فقیری برود و بگوید فردا شب به خانه شما می‌آییم و غذا هم خودمان می‌آوریم. به صورتی که به فقیر و محروم برنخورد. این کار خیلی از معضلات اجتماعی را حل می‌کند. خانمی که سطح توقعات بالایی دارد و آقایی که توقعات بالایی دارد یا بچه خود را نمی‌تواند کنترل کند، وقتی فضای فقر را ببینند توقعات خود را کاهش می‌دهد. این کاری بود که در حد توان توانستیم انجام دهیم و ان‌شاءا... بتوانیم این کار را اشاعه دهیم و خود هم عمل به این کمپین کنیم.

از بین افرادی که نزد مردم مقبولیت بیشتری دارند چه کسانی حامی این کمپین شده‌اند؟

در رفقای ما که روحانی هستند حاج‌آقا بی‌آزار تهرانی، کمیل نظافتی، مهدی دهقان (تهیه‌کننده برنامه شبکه دو)، علی برقی (بازیگر صداوسیما) و مجریان شبکه استانی یزد همراه شدند. تا جایی که ارتباط داشتم توانستم کسانی که توانایی ورود به این کار را دارند به این کمپین بکشانم.

به نظر شما احتیاج هست نهادهای دولتی وارد چنین کمپین‌هایی شوند یا این کمپین تنها مردمی است؟

به نظر من ورود نهادهای دولتی ضرر بیشتری دارد. هر قدر این حرکات مردمی باشد و مردم این فضاها را درک کنند برای فقرا بهتر است. وقتی دولتی‌ها یا کسانی که دارای بودجه هستند وارد می‌شوند جوری بین مردم تلقی می‌شود که ما نباید این کار را انجام دهیم و دولتی‌ها انجام می‌دهند.

سعی داریم نه از دولتی‌ها کمکی بگیریم و نه درخواستی داشته باشیم، مگر این که شخص رئیس یا کارمندی به صورت فرد اجتماعی بخواهد این کار را انجام دهد که ما می‌پذیریم. نهادهای دولتی به هیچ عنوان نباید وارد شوند چرا که بین مردم هم ذهنیت خوبی ندارد که بگویند فلانی با هماهنگی فلان نهاد این کار را انجام می‌دهد و ما همراهی نمی‌کنیم. مردمی هستیم و مردمی این کار را انجام می‌دهیم و زیر نظر هیچ مجموعه‌ای هم نیستیم.

برای شرکت در این کمپین فقط نیاز است افطاری را با فرد محروم بخورد و در فضای مجازی با هشتگ سفره به سفره انتقال دهد؟

بله، ولی یک سری ملزومات وجود دارد که چهره فقیر به هیچ عنوان نباید در این کار نشان داده شود بلکه این حرکت باید نشان داده شود و شخص فقیر در این کمپین نباید دیده شوند.

خود این کمپین صفحه خاصی دارد؟

بله. صفحه سفره به سفره در اینستاگرام موجود است.

برای بیماران مزمن روانی چه کارهایی انجام شد؟

در سرای احسان که محل نگهداری بیماران مزمن روانی است اولین حرکتی که خواستیم انجام دهیم این بود که به دلیل کمبود آسایشگاه، به‌عنوان کادر جهادی که از روحانیان و طلبه‌ها بود، بیل و کلنگ دست گرفتیم. مرکزی که آنجا بودیم این احساس نیاز را نمی‌کرد که روحانی با بیماران مزمن روانی نشست و برخاست کند.

ورود ما با بیل و کلنگ بود و برای آنها زمین را کندیم و لوله‌کشی‌ها را انجام دادیم. قدری بنا کاری انجام دادیم و در این میان با بیماران هم دم‌خور شدیم و صحبت می‌کردیم. کم‌کم سرای احسان و مسئولان آن به این نتیجه رسیدند که حضور فیزیکی ما در کنار این بیماران ثمربخش است. به این علت در ۴ یا ۵ مرحله ماهی دو یا یک بار سرکشی از این بیماران داشتیم و پای درد دل اینها می‌نشستیم و برخی مواقع با اینها بازی می‌کردیم. تنقلاتی که می‌خواستند را برای اینها لیست می‌کردیم و می‌بردیم. التیام بخش برای این افراد بود و می‌توانست کمکی به این بیماران باشد.

این فعالیت‌ها عمده کارهایی است که توانستیم در سرای احسان انجام دهیم ضمن اینکه با ایجاد پایگاه اجتماعی توانستیم خیران را به سمت سرای احسان سوق دهیم، این افراد توانستند در آنجا حسینیه‌ای بسازند چون حسینیه‌ای که کارش را شروع کردیم سنگین بود و احتیاج به کمک دیگران هم داشت. ما بیل و کلنگ زدیم و کانالی کندیم و ادامه راه با خیران شد و الحمدلله اوایل سال گذشته بود که افتتاح شد و اسم آسایشگاه را آسایشگاه حضرت سید الشهدا(ع) گذاشتند چرا که کلنگ آن را در ماه محرم زده بودیم.

ضیافت افطاری در حرم امام رضا(ع)

عکس: نیما نجف زاده - خبرگزاری تسنیم

جدول کلمات متقاطع

۲۲۶۶

افقی

۱- تمساح- حشره طولانی ۲- تهمت- ستاره- بخت و اقبال ۳- هدیه و پیشکش- مجموعه ستارگان- زمان معین ۴- کلمه شگفتی- خورشید- جهت- ملاک ۵- عابد نصاری- باز ایستادن- علامت مفعولی ۶- کشور سعادتمند- از شهرهای یزد- از یاد بردن ۷- از اثرهای معروف فروغ فرخزاد- بادگانه- لوله گوارشی ۸- پوشاننده- مرکز ویتنام- رب‌النوع یونانی ۹- کشور خوشبخت- ماه چهارم سال میلادی- همدل و صمیمی ۱۰- اهمال- مثل و مانند- از شهرهای آذربایجان شرقی ۱۱- بخار دهان- لازم- وزیر فرعون ۱۲- استادیو ضبط فیلم- پسوند شباهت- بازدید سپاه- درخت مورد ۱۳- حرف سکوت- گوشه‌نشینی برای عبادت- شجر ۱۴- خروس جنگی- کج و خمیده- زمین ناهموار ۱۵- پایبند به عهد- کد

عمودی

۱- عطر دوغ- ذات‌الریه ۲- آسودگی و راحتی- سوگ- رشته‌های نخی ۳- میخ- نوزایی- نام دیگر سوره بنی‌اسرائیل ۴- از علائم نگارشی- زمین ترکی- سلاح داور- دست عرب ۵- کلام تعجب خانم‌ها- نماینده کلاس- پایتخت کانادا ۶- بازار بی‌رونق- زردک- عیب و ننگ ۷- تنها- کم‌تجربه- بالین ۸- تجملی و شیک- بخشی از چشم- گروه مجهز ۹- اقلیم و مملکت- از انواع ماهی- رنگ دریا ۱۰- گردوغبار- ادویه هندی- افسوس خوردن ۱۱- مدل و الگو- قابله- رنگ موی فوری ۱۲- غذای بیمار- از حبوبات آشی- گوشت آذری- تن و بدن ۱۳- سنگ‌انداز- آزمون- آزاد ۱۴- خیال و تصور- وسیله نجاری- اصطبل ۱۵- کشور بزرگ اقیانوسیه- حوله

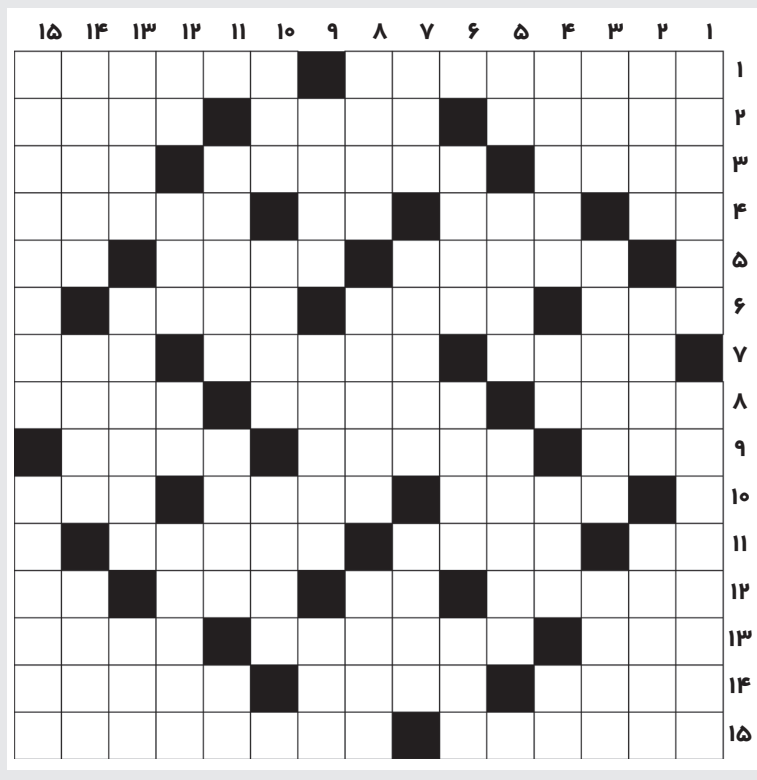
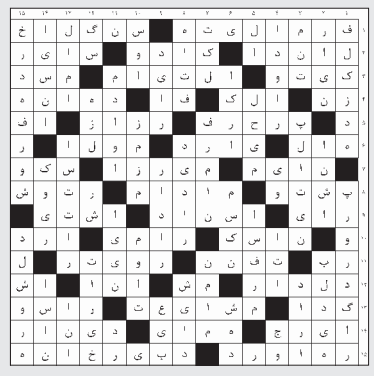
۲۲۶۵